

نظاره خلق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره بیست و هفتم

سال اول

دو شنبه ۹ سرطان ۱۳۳۰

مظاهر چیست ؟

مظاهر در اصطلاح عبارت از انگسار و یا نمایش يك قوه مسلح و یا اظهار منظم يك مفكوره برای اثر انداختن بوقایع جاریه و یا جلسه (میتك) برای غایه های مذكوره میباشد - مظاهر در همه ممالك كیتی حق طبیعی و - نظری مردم بوده و هر كس حق دارد بصورت منظم و دست جمعی بر علیه وقایع جاریه سیاسی اظهار احساس و نظریه نماید - جای بسیار شكر است كه امروز در مملكت مانیز در حالیکه شالوده آزادی ما تازه ریخته شده است - سنگ های دیگری نیز باین بنا افزوده شده و كم كم مردم بحقوق مشروع خویش آشنا گشته و از آزادیها و حقوق حقه و مشروع خود برخوردار میشوند - گفتیم كه مظاهر عبارت از حق نظری و طبیعی مردم است - اما خلق باید مظاهر را از روی ستعش بعوق و دانسته اجرا نموده و حتی حق دارند كه تا زمان برآورده شدن امال و ایزوی شان چندین بار مظاهر ادامه دهند - اما باید مظاهر را از اغتشاش تفریق نمود - اولاً مظاهر باید از طرف يك امر و یا رئیس مظاهر اداره شود و مظاهر چنان قهلاً معنی و مفهوم مظاهر را فهمانیده و دوا - شدت و هدف مظاهر را نیز باینها بفهمانند - دوم مظاهر باید مانند يك مانوره عسکری بصورت منظم و مرتب اجرا شود و مظاهر کنندگان دایماً دارای يك علامه مشخصه و امتیازی باشند

سوم - مظاهر کنندگان باید قبلاً علت مظاهر و غایه خویش را اعلان نموده و مردم را توسط روزنامه ها و یا اعلانات جداگانه آگاه سازند - کذا مرکز مظاهر و دوام مذاکرات را نیز باید قبلاً اعلان کنند - در وقت خطابه فقط کسانی كه مشخص و معین شده اند باید مطابق پلان و نظریه كه قبلاً معین شده باشد حرف بزنند - چهارم - باید اشخاص معینی را برای اداره مظاهر چنان - لوکیری از تصادم و در صورت تصادم اداره اشخاص زخمی و یا

مقتول گماشته و قبلاً این مسئله را بمظاهر چنان آگاه سازند - پنجم - هیچوقت مظاهر چنان بجز اشخاصی حزب و یا دسته معین و مشخص خود را نگذارند كه در مظاهر شركت نمایند زیرا مظاهر چنان قبلاً از سیاست مظاهر - نوع مظاهر - اندازه مقاومت و دوام - مظاهر - چگونگی بیانیه و كلماتيكه باید در مظاهر استعمال شود واقف بوده و اگر اشخاص دیگری كه باین رموز آشنا نیستند در مظاهر اشتراك نمایند پس طبیعتاً خلاف سیاست و روش معلومه مظاهر چنان حرکاتی از آنها سرزده و مسئولیت آن بدوش حزب و یا طبقه مظاهر کننده تحمیل میشود - کذا چون مظاهر کنندگان با يك ایمان و عقیده حاضر بمظاهر شده اند پس طبیعتاً در مقابل هر گونه تاكیرات و مقاومت نموده و تا زمانیکه سیاست مظاهر معین نموده است بمقاومت خود دوام میدهند - ولی اگر اشخاص دیگری در صف مظاهر چنان داخل شوند پس در مقابل عوامل فشار های وارده مقاومت نکرده و طبیعتاً شکست آنها بمظاهر چنان نیز صدقه بزرگی وارد میکند - پولیس هم قانوناً وظیفه دارد كه مظاهر چنان را اداره نموده و نگذارد كه كار مظاهر باشوب و فتنه جوئی و اغتشاش ختم شود و طبیعتاً نظریه سیاست قبلی مظاهر چنان در حین مداخله پولیس بمظاهر خود خاتمه داده و یا اگر بمقاومت شدید قصد کرده باشند از تصادم با پولیس نیز با كي نکرده و به مقاومت خود ادامه میدهند در مظاهر رعایت ادب و نزاکت و قوانین جاریه مملكت شرط بوده و هیچگاه تا طقین و یا مظاهر کنندگان - نباید كلمات خلاف ادب و نزاکت را كه اخلاق و انسانیت از آن تنك داشته باشد استعمال نمایند - طبیعتاً در مملكت ما چون مردم بحقوق خود آشنا نبوده و تاكنون از تربیه و رشد سیاسی محروم بوده اند پس طبیعتاً ملامت مادرای نقایص نیز بوده كه رنج آنها دراتی حتمی است -

++ در شورای ملی ++

بقیه جلسه روز دوشنبه ۲ سرطان

شافلی گل باچا خان الفت - موضوع بحث ما غله خریداری در پنج تنغود تا کار رفع غله خریداری تنها کارشورا حساب است و این موضوع از سه سال یا بیشتر نظر با اهمیت از طرف وکلا مطرح مذاکره قرار گرفته - ممکن است بنده خارج موضوع صحبت نکند ولی مفصلتر عرض کنم و موضوع اخیر تریوشنی اندازم در سال ۲۸ وقتی وکلا تشریف آوردند - گفتند که خریداری غله بطریق موجوده - تکلیف بزرگی بوده و باعث انزجار اهالی میاشد و شورا اراده داشت و دارد و خواهد داشت که انزجار خلق را رفع نموده و روابط نیکی را بین ملت و دولت قایم سازد و برای رسیدن باین مقصد تجویز شد که غله خریداری از دوش خلق برداشته شود ولی همه میدانند که شورا خود سرانه کدام کاری نکرد و تصویب خود را بحضور اعلیحضرت همایونی تفرستاد و ممکن بود که تصویب شورا و دلایلی که در مورد انزجار ملت داشت از حضور اعلیحضرت رد نمیشد ولی شورا چنین نکرد و با حکومت داخل مفاهمه گردید و کوشش کرد که با مفاهمه دولت راه حلی برای این بار کمر شکن پیدا کند ولی سال اول در اثر تمام مساعی و زحمات و مفاهمه با دولت به کدام نتیجه نرسید - سال دوم باز وکلا درین باره اصرار کرده و عموم وکلا این مسئله را یک قضیه حیاتی شمرده و برای حل آن باز کمیسیون انتخاب شد - وزیر تشریف آوردند - دلایل شان شمرده شد کمیسیون بصدارت رجوع کرد و من که عضو کمیسیون بودم از بیانات صدراعظم چنین فهمیدم که ارزو داشتند که این تکلیف از دوش خلق برداشته شود ولی صدراعظم میگفت که امسال بول غله خریداری تقسیم شده و اگر غله خریداری از دوش ملت برداشته شود - امسال برای حکومت مشکلات پیش میشود - ما فهمیدیم که طبعاً برای سال آینده وعده حکومت قطعی است و موضوع در روزنامه رسمی ولی بعد از همه این مذاکرات حکومت را پیر میفرستد انیس نیز نشر شد - لذا باز کمیسیون زمستانی انتخاب شد و ثابت میشود که وزیر نمیخواهند که با شورا مفاهمه تا برای رفع غله خریداری جاره - بچند - حکومت مشکلات نمایند و یا بقانون اساسی احترام کنند و یا ملت اراهاشند خود را عبارت از کسر بودجه (۴۳ ملین افغانی) دانسته و وزیر بدون اینکه ملت را فریب دهند کار دیگری نمیکنند و از طرف کمیسیون مذاکراتی تهیه شده و در عوض ۴۹ ملین افغانی از مدارك مذکوره بدولت نشان داده شد

ولی آنها مدارك مذکوره را با افزودن معاش بکار بردند و سرواخذ است که شورا با حکومت از هیچ گونه همکاری در پنج تنغود تا کار رفع غله خریداری تنها کارشورا حساب نشود و این کار نیک یا اتفاق هر دو قوه انجام یا بسد ولی باید ببینیم که کا بینه در مقابل چه کرد ؟ آنها در عرض بدون مفاهمه شورا مدارك مذکوره را با افزودن معاش بکار برده و در وقت حضور شورا خلاف قانون آن را بصدف ذات شاهانه رسانیدند حال آنکه قانون اساسی در مسایل بسیار مهمه و انهم صرف در لوائح قانونی و در زمان رخصتی شورا بچنین کار اجازه میدهد - شورا مخالف افزودن معاش مامورین نمیشد ولی کا بینه سعی کرده است که باین وسیله فاصله بین شورا و مامورین تولید نماید و لذا ثابت شد که در ظرف سه سال حکومت با شورا همکاری نکرده و در هر چه عدم موافقت نشان داده است - اصل موضوع را بورد دولت است که در اصلاح نشر شده و در مجلس قرائت کرد و لازم غله خریداری را تذکر نموده است بنده غله خریداری را بطریق موجوده مخالف مواد ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی میدانم و میگویم که ما بکدام فیصله رسیده نمیتوانیم و چون این عمل خلاف قانون است و باید شورا از قوانین طرفداری کند و لذا باید رفع غله خریداری قانوناً از طرف شورا تصویب شود و اگر دولت اصرار و احتیاجی دارد باید نظریه خود را در اطراف مالیه و غله خریداری و غیره توسط یک لایحه بشورا پیش کند تا شورا در اطراف آن مذاکره نماید (تائید اکثریت وکلا) محمد کریم خان وکیل چهار بکار - کسانیکه از درد ملت بیخبراند و یا مقاصد دیگری دارند طبعاً مرا هم در جمله بربا کند چنان حساب میکنند ولی باید دانست که وکلا از دوش و نیم سال است که در اطراف غله خریداری مذاکره کرده و با حکومت مفاهمه میکنند و بعد حکومت قطعی است و موضوع در روزنامه رسمی ولی بعد از همه این مذاکرات حکومت را پیر میفرستد و نیز نشر شد - لذا باز کمیسیون زمستانی انتخاب شد و ثابت میشود که وزیر نمیخواهند که با شورا مفاهمه تا برای رفع غله خریداری جاره - بچند - حکومت مشکلات نمایند و یا بقانون اساسی احترام کنند و یا ملت اراهاشند خود را عبارت از کسر بودجه (۴۳ ملین افغانی) دانسته و وزیر بدون اینکه ملت را فریب دهند کار دیگری نمیکنند و از طرف کمیسیون مذاکراتی تهیه شده و در عوض ۴۹ ملین افغانی از مدارك مذکوره بدولت نشان داده شد

میدانم - غور مزید بر این وزیر را ضیاع وقت می شمارد و ارزو

خریداری صریحا خلاف ماده ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی است و ما باید رفع آن را مطابق قانون تصویب کنیم و باز وزارت مالیه میتواند مشکلات خود را بصورت لایحه بشهره را پیش کند.

سید محمد خان دهقان وکیل بدخشان - عرض میکنم که مدارك و احتیاجات امروزی ملت و مملکت تنها مواد هفت گانه نیست و بلکه بسیار چیزهاست ولی بعد از کشیدن هزارها درد و الم و کلا چند فقره را یاد داشت و از راه حسن عقیده با حکومت داخل مفاهمه گردیدیم - حکومت برای کسر بودجه مدارك خواست و کلا هم از راه همکاری و نشان دادن روح اشتراك و تساند آنرا خلاف قانون و روح ملت نگفته و به همکاری حاضر شدیم و اگر چه مدارك تهیه شده ما نیز بر چین و گفن ملت و نمك و خوراك آن علاوه میشد ولی برای رفع هزاران فجایع دیگر که بالای ملت در زمینه غله خریداری اجرا میشد ما تكالیف مذكوره را سبتر شناخته و مدارك را بزور تقديم نمودیم - اگر حکومت در اوایل پیشنهاد میکرد و حالا نكه چند ماه برای تهیه مدارك با کلا مذاکره نمودند و کدام مدركي را برای مصرف نشان میدادند ما میتوانستیم مدارك دیگری را

تهیه نمائیم ولی بهمه حضار محلس معلوم است که قبل از تهیه مدارك هیچ یاد آوری درین زمینه از طرف حکومت نشده بود و بی آنكه با شورا مفاهمه بعمل آید آثار اخلاف قانون برای ازدیاد معاش مأمورین تخصیص دادند - از رابوروز را برمی آید که این بارهای تازه را نیز باید برابرهای گران ملت تحمیل و باید بر علاوه مالیه را سه چند نموده و یا غله خریداری را با همان فجایع دوام دهند - احصائیه سال ۲۸ کمتر بوده ولی در سال ۲۹ کمی بیشتر ولی مقدار غله امسال از انهم بیشتر است و گویا سال بسال خواهند که بار این ملت فقیر را سنگین تر سازند - ما بارها این مسئله را شنیده ایم که اگر و کلا ی سمت شمال حق ملت را میخواهند و یا ارزه دارند عرض خود را بشاه خود برسانند یکمده قبل و کلا همین حرق جوئی را تحريك روس و اگر مردم کابل صدای حقطلبی بلند کنند آن را تحريك پاکستان قلمداد میکنند ولی ما گندم را بهمان قیمت بدهد ولی اشیای دیگر را بچندین مثل بیشتر ازین عده قلیل میبرسیم که حرفهای آنها را باید تحريك بخرد - وزارت مالیه ما احصائیه درستی بدست آورد غله

میکنم که وکلا ی محترم با تمام قوای خود سعی نمایند که غله خریداری یا این بار کمر شکن از دوش طبقه زارع که یگانه قوه مولده مملکت اند و آبادی مملکت بزوار مرموط است رفع شود زیرا نزدیک است که طبقه دهقان از بین برود - چون در ظرف سه سال گامینه موجوده قطعاً با شورا همکاری نکرده اند امید همکاری شان موجود است فلذا من هم بحیث یك وکیل بگامینه موجوده عدم اعتماد خود را اظهار میکنم و لو جار نفر و کلا هر چه میخواهند در باره ما بگویند (اگریت و کلا جدا میزنند درست است ما هم اعتماد نداریم)

محمد شاه خان وکیل گنواز - آقای وکیل گنواز با انک تصمصیم مینمایند که غله خریداری بز دوش ملت بار طاقت فرسائی است ولی در ضمن يك معظه بسیار طولانی در حاکمیه و کلا را باتفاق اتحاد دعوت مینمایند و خدمات و فداکاریهای اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید و والا حضرت صدر اعظم موجوده و - خاندان سلطنتی را حساب و واقعات جنگ استقلال و صحنه های جنگ نجات را ترسیم مینمایند بوکلا توصیه میکنند که از هیچ گونه فداکاری بخاندان سلطنتی دریغ نفرمایند و سعی کنند که به شیرین زبانی و مدارا راه حلی برای غله خریداری پیدا نمایند.

سخی امین خان وکیل دوشی - شکایات رفقا درست است ولی باید چاره منجیده شود تا اصل تکلیف رفع شود زیرا همه میدانند که غله خریداری بالای طبقه دهقان که قوه مولده ثروت و غذای مملکت است فشار زیادی وارد و اگر طبقه دهقان از بین برود مملکت تباه میشود - همه میدانند که چندین بار برای مفاهمه کمیسیون تمین ولی طوریکه آقای الفت فرموده اند وزرا برای مفاهمه و چاره جوئی حاضر نشدند و وکلا حق دارند که از آن ها سلب اعتماد نمایند - میگویند که مطابق شرع انور مالیه داده شود ما طرفدار عدم دادن مالیه نیستیم ولی بد بختی اینجا است که در يك گوشه مملکت از يك زمین سی افغانی و در جای دیگر پنج افغانی مالیه میگیرند را بوزر وزارت مالیه نشان میدهد که در ابتدا مالیه جنس بوده ولی در سال ۱۲۹۹ به نقد تصویب شد ولی وزرا این را نمیگویند که انوقت يك سیر گندم يك افغانی قیمت داشته و بد يك افغانی هشت - نه متر کرباس بدست می آمد آیا امروز دهقان میتوانند گندم را بهمان قیمت بدهد ولی اشیای دیگر را بچندین مثل بیشتر ازین عده قلیل میبرسیم که حرفهای آنها را باید تحريك بخرد - وزارت مالیه ما احصائیه درستی بدست آورد غله

زده و برای جدا ساختن ملت و حکومت کار کرده و برپایه
مملکت را سبب میشوند بفرمایند که ما تحریک این عده و وزیر
و وکلا را بکدام دولت منسوب داریم؟ آیا آنها عیبه در هیچ
امر برای صلاح و خیر ملت و مملکت جواب مثبتی نداده و وزرائی
که با وکلا مددکاری نکرده و قطعا حاضر نشده اند که برای
چاره درد های ملت با وکلا همکاری کنند بکدام دولت مربوط
اند - تا اینوقت نتیجه که از همکاری و زرا گرفته ایم همانست
که ما وکلا باید در خین مراجعت با وطان خود قم را از
قانون - شاه و از قانون خداوندی (الیماذ بالله) مایوس
و نا امید سازیم و بگذاریم ملت خودشان با این ارمغان
دوره هفت شورا برای تعیین سر نوشت خود دست و پا بزنند
وزارت مالیه در راپور خود تصریح میکند که همه امور زندگانی
ما خراب و بی نظم بوده و ما از کاروان مدنیست بسیار عقب ماند
ایم ولی باز هم میخواهند بر مرده ملت بار دیگری را تحمیل
کنند - اگر وزارت مالیه اراده ندارد که ملت و مملکت را برباد
کند باید از روی حساب کار دهقان و مالدار و مصرف شان
را سنجیده و باز مصرف دهقان و تارتق و رشوت را نیز حساب
و باز پس از سنجش مالیات درستی را بر قم تحمیل نمایند
و با اساس قانون اسلامیت مقداری را برای مالیه دولت و قسمتی
را برای روز مبادا تعیین و اگر میگویند که حیات و معات ملت
بدست وزیر صاحب باشد و آرزو دارد که همه چیز را از دهقان
بگیرد ولی اقلایک بار باید با ملت حساب کنند و باید پس از
وضع مصارفات همه چیز را از دهقان بگیرند - وظیفه ماست
که حقایق را بملت برسانیم و هم موظف بودیم که درد و آلام
ملت را بحکومت گوشزد نمائیم ما در ظرف سه سال با بیسک
عالم قداکاری این وظیفه را انجام دادیم و امید داریم که
مسئولیت ما نزد خدا و خلق رفع شده باشد چه از حال ملت
بنزد شاه و حکمت ترجمانی صحیح نمودیم - مقاومت کردیم
و مجاهده ورزیدیم و اکنون هم اینقدر وظیفه داریم که بساز
ارمغان آخرین خود را بخلق برسانیم - غله خریداری صریحا
مخالف قانون اساسی است فلذا باید تصویب کنیم که ما وکلا
همچو اعمال خلاف قانون را در مملکت جائز نمیدانیم و اگر
حکومت ضرورتی حس میکند باید قانونا بشورا پیشنهاد کند ولی
چون در ظرف سه سال از همکاری خود با حکومت نتیجه
نگرفته ایم پس باید غله خریداری و سایر اعمال خلاف قانون
را منع قرار دهیم (تا بعد اکثریت وکلا) .

محمد صدیق خان وکیل کبر مشرقی - از راوری که
روز گذشته قرائت شد معلوم میشود که در سال ۲۹ -
تا ثب الحکومه ها با بعضی افراد ملت مقافعه کرده و بعضی
جا ها غله خریداری را قبول نموده اند ولی حقیقت چنین
نیست ولی این کار خودش خلاف قانون است ما -
نمایندگان حقیقی ملت بوده و از روی نفاق نمی بلکه حقیقا
ثابت است که غله خریداری بر مردم ظلم است ما باید
بملت و حکومت خیانت نکرده و در بین هر دو نمایندگان
صحیح نمائیم - ملت قطعا با غله خریداری موافقت ندارد
و اگر نظریه هم بوزارت مالیه رسیده باشد نظریات حاکم
است نه نظریه قم و جرگه ملی - من در سال ۲۶ در شرق
مالیه مامور بودم ولی ازین موافقه ملت خبر ندادم و شاید
این موافقه ها هم جواب کدام متحد المالی باشد - سال
گذشته صدر اعظم صاحب بحضور همه وکلا علانیه اظهار
داشت که باید برای رفع غله خریداری مدارکی تهیه شود
ورنه ملت تحت این بار کمر شکن از بین خواهند رفت -
کذا شورا تمیخواست کیسیونی در زمستان کار کند و فقط
برای تهیه مدارک برای رفع غله خریداری وکلا به تشکیل
کمیسیون حاضر شدند ولی مدارک از بین رفت و بار آنها
هم بر ملت تحمیل شد ولی برای ملت فایده حاصل نگردید
من هم مانند اکثریت وکلا طرفدار این فکرم که با اساس
قانون باید تصویب نمائیم که غله خریداری خلاف قانون
اساسی است و باز حکمت میداند که انرا قبول میکند یا
نه و با آنکه تصویبات وکلا از چهار دیواری شورا خارج
نشده و بجائی نرسد اما باز هم ما مسئولیت حدانی خود
را رفع خواهیم کرد - در مسئله رای اعتماد بنده صریحا
میگویم که وزرا مسئول اند ولی رای اعتماد در قانون ما
وجود ندارد در حصه بیانیه وکیل کایسا بنده مخالفم
 زیرا اگر ظلمی بر قوم رود وکلا حق دارند بیانیه داده و
انرا بگوش رئیس دولت برسانند و نگذاریم که قم از بین
رفته و ما هیچ چیزی نگوئیم اینکه آقای وکیل کسوز
و کایسا از قداکاری خاندان سلطنتی در مقابل سقو
حرف میزنند بنده انرا تأیید و با آنکه آنها با همکاری ملت
برای رفع ظلم کوشیدند ولی باز هم مجاهده شان قابل
احترام است - من نمیدانم کایسینه جدید از کجا خواهد
آمد اکنون که وزرای موجوده صاحب قصر و موزه همه چیزند

باید از آنها کار بگیریم زیرا ملت نمیتواند وزرای جدید را سیر و صاحب قصر و مقررهای لوکس بسازد.

قاضی عبد السلام خان کبیل قلات - عرض میکنم که رابور وزارت مالیه و کمیسیون شتائی قرائت شد. وزرای شامل کمیسیون میبایست با موافقت نمایندگان ملت یک راه حلی برای رفع این بار کمر شکن جستجو مینمودند - را بور کمیسیون تصریح میکند که وزرا در کمیسیون حاضر نشده اند ولی وزرا از حاضر شدن خویش اظهار و لذا دعوی قائم گشته و برای فیصله آن باید وزرا در مجلس عده ای احضار شوند. وزیر مالیه در رابور خویش اساس شرعی را مد نظر نشان داده و مدیونیت ملت را در تخییر جنس بنقد اشعار میکند ولی بنده علنا بورژوازی مالیه میگویم که بجهت اساس قانون شریعت باید بجهت رعایت شود اول - سیاست مملکت دوم تهذیب اخلاقی - سوم تدبیر منزل و طبعا در سیاست حقوقی ملت بر دولت و حقوق دولت بر ملت باید عادلانه سنجیده شود. با اساس تهذیب اخلاقی همه ما برادر بوده و هر کس حق دارد از اذانه برای علاج درد های ملت - چاره پیشنهاد کند و طبعا تدبیر منزل از حقوق مرد و زن و اولاد و برادر بحث میکند پس اگر وزرا مدیونیت ملت را تعیین میکنند پس باید حقوقی را که قانون شریعت بر آنها تحمیل میکند نیز ادا نمایند. اگر وزرا بمجلس نمی آیند باید دوسه نفر وکلا برای سنجیدن راه حلی بنزد آنها بروند.

محمد کبیر خان وکیل غور بند - اول توجه رئیس مجلس را بیک مسئله معطوف میسازم که حق شان بوده و باید بان خوب ملتفت شوند - رئیس صاحب میدانند که وکلا همه برای مصالح ملت و سنجیدن خیر و سعادت قوم بشورا جمع شده اند نه برای جنگ و تنقید و مشت و گریبان شدن - من میدانم که شورا جای تیر و تبر نبوده ولی یقین کنید که من عواملی را مشاهده میکنم که باید بعد ازین اله را با خود بشورا بیاورم که در صورت حمله و وارد شدن ضربه اول از طرف شخصی بتوانم از شرافت خود دفاع نمایم بعقیده من مراقبت اوضاع مجلس و وظیفه رئیس است و طوریکه تا کنون مراقبت کرده اند باید جدا متوجه باشند که بشخص وکیل تعرض بعمل نیاید و وکلا هم بین انتقاد و شتم و تعرض فرقی قابل شوند و رنه و ضمیمت شورا بر هم خواهد خورد و رئیس صاحب خوب ملتفت اند که بعضا حرف های بیمیدان می آید و مثلا میگویند که حرف های فلان وکیل از منبع خارجی است و یا نسبت های دیگری را بوکلا میدهند

و این فرض رئیس مجلس است که قانونا محل اینگونه قضا با اقدام کنند اگر کدام وکیل صاحب چنین ادعائی دارد باید بطور مبهم حرف نزده و اشخاص مظنون را بمجلس نشان دهند و البته ما حاضریم که اینگونه وکلا تحت محاکمه قانونی قرار گیرند ولی اگر وکیل در حق برادر رفیق پارلمانی خود تهمت می بندد و یا در اثر عواملی نسبتی بوکلا میدهد باید با و جزای قانونی داده شود - (رئیس - کسی نگفته کدام وکیل زیر تاثیر اجنبی) - در قسمت غله عرض میکنم که سال گذشته شورا بعد از تحقیقات لازمه در بودجه تنقیصاتی نموده ولی صدر اعظم بشورا آمده و خواش و عذر نمودند و لو دلائل قانونی برای گذشتادن بودجه هم نداشتند ولی وکلا ی ملت عذرشان را پذیرفته و در عوض بحضور صدر اعظم نسبت بمشکلات غله خریداری پیشنهاد و صدر اعظم هم بمشکلات ملت اعتراف نموده و تجویز فرمودند که باید برای این بار کمر شکن راه حلی پیدا شود تا گفته نمایند که بزرگترین مسایل ما تشکیلات اساسی - بودجه و رفع غله خریداری بود ولی کابینه و شورا با آنکه مختلط بودند بموافقه نرسیدند و وزرا بی آنکه قسمتی از مشکلات را چاره جوئی نمایند و چاره قسمتی را بوکلا ترک کنند بوکلا گفتند که برای غله خریداری مدرکی پیدا کنیم و خود را بکلی کرانه گرفتند و گویا حاضر نشدند که با وکلا همکاری نمایند باز هم وکلا مدارکی پیدا کردند و طوریکه من روزی در کمیسیون بحیث سامع شتیدم مدارک وکلا را غیر مثبت موقتی دانسته ولی باز مدارک مذکوره را گرفته و بدرد دیگری زدند - خوب حالا دو مشکلات پیشروی ماست یکی اینکه مامورین معاش کم دارند و دیگر اینکه ملت فقیر بوده و چیزی ندارد اکنون باید از نقطه نظر اجتماعی سنجیده شود که کدامیک ازین دو قضیه را بار اول چاره جوئی نمایند از بدو تا سیس محکمت بمامورین معاش کافی داده نشده و اگر حساب شود شاید تعدد مامورین به ۲۰ - ۳۰ هزار نفر برسد ولی از جانب دیگر تکلیف بزرگی بدوش ۱۲ ملیون نفوس مملکت است همان ۲ ملیون نفوس که بول در سترنج خود را بحکومت داده - قدام حکمت بر آنها است با آنکه بنده باز بدان معاش مامورین مخالفت ندارم ولی اگر در و حله اول غله خریداری بر رفع بقیه در سترنج ۲ صفحه ۶

اعلامیه سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

مقیم کابل

سفارت شاهنشاهی ملت دوست و برادر ما ایران اعلامیه ذیل را برای تشریح ندای خلق فرستاده اند که ما با کمال احترام انرا برای آگاهی هموطنان عزیز خویش نشر و این را هم متذکر میشویم که ما اساسا خبرهای مذکوره را جملی پنداشته و همراه ساخته و با قهقهه دستگهای استفاد مجویان و آشوب طلبان میدانیم و آرزو مندیم ملت عزیز ایران بحقوق مشروع خویش درین مبارزه کامیاب گردند ما بنمایندگی از احساسات خلق از صمیم قلب طرفداری خویش را طوریکه بارها اظهار داشته ایم بعملی شدن تیل ایران و رفع کانون فساد از جنوب این مملکت عزیز اظهار مینمائیم - اینک اعلامیه که خود از نظر انضباط یک ملتی برای تیل بیک هدفی چون در بعضی از کشورهای خارجی خبرهای بی - اساسی اشاعه یافته مبنی بر اینکه در ایران احساسات ضد اجانب وجود دارد و اتباع انگلیسی مقیم آبادان نگران و مترصد حوادث غیر مترقبه هستند و یا اینکه دولت شاهنشاهی که ایران کارکنان انگلیسی سابق شرکت نفت را تحت فشار و تهدید قرار داده و عده از کارمندان شرکت سابق را توقیف نموده و یا اینکه وضع آبادان هر آن مستعد انفجار و احتراق است و یا مذاکرات بنمایندگان شرکت سابق در محیط خصوصیت امر آغاز شده است از آنجا دیکه این نوع شایعات کاملاً بی اساس و کذب محض بوده و برای تشویش از همان بمنظورهای خاصی انجام می گیرد لذا مستشار فرهنگسی و مطبوعاتی سفارت کبرای شاهنشاهی ایران لازم میدانند که بمنظور روشن نمودن از همان و افکار عامه با اطلاع برسانند که این نوع اخبار بکلی دروغ و خلاف حقیقت است و جگه تا نگذیب میشود چه آنکه کارمندان انگلیسی شرکت سابق نفت بهیچوجه تحت فشار و تهدید قرار نگرفته و حتی دولت شاهنشاهی ایران صمیمانه از ایشان دعوت نموده که با همان موازای و حقوقی که سابقاً داشته اند بکار مفید و مهم خود ادامه دهند و با آنها اطمینان داده شده است که مادامیکه در کار خود صمیمیت و حسن نیت بخرج بدهند دولت شاهنشاهی ایران همه گونه وسایل تشویق آنها را فراهم خواهد ساخت مذاکرات هم بین نمایندگان دولت شاهنشاهی ایران و شرکت سابق نفت در محیط آرام و دوستانه صورت گرفته است بالنهايت چون پیشنهاد های نمایندگان شرکت

سابق بامرملی شدن صنعت نفت بطوریکه منظور نظر قانون گذاران ایران و هدف عمالی ملت ایران بوده مخالفت داشته به نتیجه نرسیده است و هکذا وضع آبادان و کلیه نواحی نفت خیز و سایر نقاط کشور شاهنشاهی نیز آرام و در کمال نظم و امنیت است و تظاهراتی که قاطبه مردم ایران صرفاً بسایقه احساسات ملی و افکار پر شور و وطن پرستانه مینمایند فقط و فقط برای اعلان پشتیبانی از دولت و ابراز مراتب فداکاری و ایثار ملت جهت تسریع در احقاق حقوق مشروع خویش است ولی در کلیه این تظاهرات باحدی از احاد تعرض نشده و صدمه و لطمه وارد نیامده و بحمد الله امن و امان برقرار و حکمفرماست فساد از جنوب این مملکت عزیز از نظر انضباط یک ملتی برای تیل بیک هدفی بزرگ مشترک ملی قدر فراوانی دارد و بخوبی نشان میدهد که ملت و دولت ایران با چه وحدت و عزم را سخی برای احقاق حق مشروع و طبیعی خود قیام نموده اند و یقین است این نوع شایعات و تبلیغات احدی را در دنیای ازادی پسند امروز از دیدن حقایق باز نخواهد داشت .

بقیه بیانیه وکیل صاحب غور بند - میشد بد نبود - اکنون وظیفه کمیسیون تمام شده و را بور خود را آورده اند پس اکنون آنها حق صحبت مفصل در هر قسمت ندارند - و صرف میتوانند توضیحاتی بمجلس دهند - رابور وزارت مالیه نیز در مجلس قرائت شد و من بحیث یک وکیل تعمق بیشتر را درین مورد ضیاع وقت میدانم - غله خریداری خلاف قانون بر ملت تحمیل شده و در اول موقت هم بوده و ملت فهمیده و یا نفهمیده تا امروز غله خریداری دادند ما بجشم سرمی بینیم که هر زمانیکه ملت سر خود را بلند نموده و یا حق خواسته است از طرف یک طبقه بسر خود خورده و این مسئله را ملت خوب می فهمد ولی امروز ملت ستوه آمده و در وقتیکه به بنده رضا نامه و کالت میدادند اظهار نمودند که باید قوانین ظالمانه از سر ما رفع شود امروز روز آخرین است و ما میدانیم که بدون ما لیه و محصول چرخ حکومت نمیچرخد ولی ملت اظهار میکند که ما بقدر توان هر چه بخواهند میدهیم ولی باید حکومت برای ترقی زراعت بقیه دراتی

بقیمت مناسب

ماشین های چاپ فارسی و انگلیسی را بنیت مناسب در تجارتخانه پسران حیدر رجاء میروند اپارتمان نمره ۸ دستیار دارند .

شافلی محترم شیخ احمد خان جامراد
مرد سرگردان (سیار) وکیل

بر سر تریتم من بی می و مطرب عشقین

تا ز اغوش احد رقص کفان بر خیزم

ملاحظه اتفاقات بعد از مرگ برای انسانها خیلی جذاب

است ۰۰ درین ستون شکست حادثه را میخوانید که

تا آخر جز راستی و حقیقت دران نیست ۰

در قریه میرخان از توابع قریه باغ غزنی گدائی از گرسنگی و

یا؟؟ درگذشت چون دکتور معتمد نبود که تمد یق

میکرد اهل ده به تکفینش پیچیده و از خوف تحقیق -

و اوته شب هنگام ۲۵۰۰ متر دور تر در ده (میر

وال) میت را گذاشته و گریختند ۰ دهقانی از قشیم

مدافع و این برف بام دیگران را در همان شب برداشت

و ۵۰۰۰ متر دور تر در قریه ملوک نهاد - اهنگری در

پاسا خیر شب مرده را بدوش کشیده و یک میل دور تر

در قریه سنکی کج دامن مسجد نهاد - طالبی را گردان

صرف میر بخواب نگذاشته و هنوز از عمرو وزید فارغ نشده

بود که نعشی را با کفن سفید نزدیک خود دید - روز

را صبر نموده و شب دیگر سه گروه دور تر در قریه (مشکی)

مرده را بردند و به مسجد نهادند ۰ ملا امام که برای

اذان خفتن میباید - بایشه میت بند و در فرسوخ

گورگرمی میت چه بسا غشامده ۰ تا گمان غش و در

پهلوی مرده می افتد - کدام مقتدی مشوش شده و تا

میخواهد از ملا خبر گیرد - وضع ملا و مرده مد هوشش

نموده و در حالیکه زبان شنید میگوید - فریاد میکند

مقتدیان از مشاهده قبرستان عجیب تا پا دارند فوار

مینمایند اهل قریه مرده را برداشته و چند گروه دور

تر در قریه باران رها نمودند و دران جا که خبر میشوند

مرده بیچاره را بر جفت مجبور و باز قریه (ملوک) میرسانند

ملا ی قریه که میت را با همان تکفین می بیند متعجب و

واقع را بدست های جن و اسرار دیگر حمل مینماید

میت قریه بلج را کرد شرو در ده (لایق) کیر می اید از

بخت زبون چنانکه رواج روزگار است ده (لایق) همه

مصیبتی که دیگران از او میترسیدند مبتلا و قوماندان

امنیه از حکومتی اعلی با ۲۲ نفر پولیس و یک نفر

عکاس قریه را محصور و مرده را دستگیر نمودند نخست

مصرف یک ظلم را ۲۰۰ اتفاقانی دریافت و حالا است که

بجساب شان میرسد - این مرده که شاید بر اثر دعای

کسی در حیات باین سرگردانی در مرگ محکوم شده -

و شاید سرگردانی هایش در حیات بیشتر بوده ۰۰ بهر

صورت ۰۰ دوبار دیگر از قبورش بیرون کشیدند ۰۰ تا به

مدعی ۰۰ دوستان چیزی بگویند ۰

- نوای خلق - شافلی محترم شیخ احمد خان نوای

ای صبا! از من بگو بر مفرضین قرن بیست

ایکه میگویند ملت قابل اصلاح نیست

فی الحقیقت ای دعا بازان بی شرم و حیاس

بر چنین عقل و چنین ادراک میباید گریست

جز قریب و غدر کذب عده ارباب کسار

عامل بد بختی این ملت بیچاره چیست ؟

گر شما فاسد نگردانید اوضاع عسوم

آنکه بيموجب زملت ناله خواهند کرد کیست ؟

جز خوابی فکر اصلاحات از مخرب خطا است

از شما یکدسته بیخس - استعانت ابله نیست

اخرا ی بد مسلکان! ای عاشق ظلم و ستم

کیست آن بیچاره کردست شما ارام زیست ؟

در چنین عصری که هر ملت غنی و عالم است

ما بیچاره ظلم و جهل فقر ۰۰ اینهم زند کیست ؟

هیچ ملت در جهان بی رفقا چیزی نشنیده

واقعا پس ما نی این ملت از بی و هبوری است

ای جوان ای چشم ملت ای چراغ مملکت

رهنمای ملت خود شو که ملت مردنی است

ملت خود را رهان از چنگ پیداد و ستم

پیش از آن ساعت که طبعاً روزگار آوردنی است

ملت خود را رهائی ده ز غرقاب فساد

موقع کارت مده از ک که فرصت رفتی است

با چنین احوال اگر گویند ملت خوشدل است

من نمیگویم تو خود بنگر ۰۰ که با ورکردنی است ؟

هان جوانا! این نه عرض من نوای ملت است

این نوای خلق را بشنو که ان بشنید نی است

مذرت

وزارت صحه اسم بنده را در جمله دکتور های توکری

وال شب قید نموده اما نظر باز یاد مشغولیت های زیاد و بیماری

کرده بنده با کمال تأسف معذرت خویش را بحضور همشهریان

گرامی خود با کمال احترام تقدیم و وزارت صحه نیز تذکر میدهم ۰

(محمودی)

خواندنیهای خلق:

از پرده بیرون

گر مسلمانی همین است که حافظ دارد

آه اگر از پی امروز بود فردا نی

دوستان بهانه جو در ممر که رقابت بارها از هر چه خواسته اند - استفاده و تیر و تبر ساخته اند - از دوران آدم تا

امروز دنیا و بشر بهزار ائین گزافیدند و بد نبال بشما و یا میامیزی رفتند - خواه این ادیان آسمانی و راستی و خواه از ایجادات و تصنع بوده ... برای مدتی رواج و پرستش روزگار در تحول و جار صعود و نزول گردیده است - تا ریح که سرگذشت کتله های بشر است میرساند که در گیر و دار مسایل دینی چه حادثه هولناک و فجایعی را جهان بشر گذر شتاند ... گاهی مملکتی بر دیاری دین را حربه ساخته تاخته و زمانی عده بر مردمی تعرض و این تهاجمات بر اشتفتگی بشری سامان ادامه میداد ...

در غرب دوره "اسکلاستیک" و قایع "سن بارتلمی" و انگیزشیون هسپانیه از فجایع و خون ریزی هایی است که هرگز فراموش نمیکرد در دنیای اسلام نیز بعد از وفات سید ینمبران (ص) - مانند مسیلمه و سجاح ... حسن صباح این مقنع و واقعه قتل عظیم داد بدست هلاک بهر شما محبوب و فرق دیگر تا قادیانیهای همسایه فتنه های ایجاد و بردشمار می سیاسی خود دین را الت تعرض قرار داده و انتقامهای کشیده اند - البته بزرگترین گناهان همین است که از بیسواد نفهمی و سادگی مردم استفاده و بغریب با این وسایل انتقام گیرند - یگانه علاج چنین قضایای مهم و بنیاد کن همانا سواد و علم است که هر شخص خودش در دین مطالعه و تعالیم دینی را بر اساس قرآن حمید - صحاح سته و کتب معتبره فرا گیرد و بدین ترتیب از تلقینات اهل غرض در لافاه مطامع نجات ممکن است و بس ...

خلق مسلمان - شاه مسلمان و خدمتگاران خلق مسلمان البته گفتار و اغراض گروه یا و دشمنان وطن را درین دیار راهی نیست و اقتاب را نمیتوان به مشت لوش سیاه نمود - جوان های مسلم و مسلمان دوست را نتوان فریفت و یا تهمتی زد ... باری درین حا است که باید خلق علمای علام را از عالم نماها امتیاز نماید -

بیری که دوره جوانی را مهمل گذر شتاند - الحال جوان را

بی تجربه مست و مجنون میباشد اما امروز این موضوع به حیث يك میتواند در دنیا قبول شده - شست کار - انرژی سرعت کار و توانائی در جوان بیشتر است - تعلیم و تربیه خود تجربه است تجارب و شکست و ناگام چه دردی را دوا میکند جوان افغان و وطن دوست - با وفا - صادقی و مسلمان است - (مست و پر کال)

جان سوخته و بیوید غم دید منزل گوید x دلخسته و احمق وین حرف بقین يك خواهش از اژانس ششدرك - خبر نگار محترم - ایسم خویش را اژانس ششدرك معرفی نموده - ای تمحب است که چار سرک قیر و بند اندرایی را سیر و از احوال خلق چندان اطلاعی بدست ندارد - من در شهر تاریخی غزنه زمست میگویم که اخیر بازارك های تنگ و تاریك و سه دروازه معروف بدروازه گنگ و شیردل و بهلول این را در غزویم نقل - خواهند داد - چند ار خواهش نمودیم که این شهر تاریخی را کمی زیب و زینت بخشند اما متاسفانه کدام مهندس شهری وجود ندارد تا کدام نقشه درستی طرح نماید - گویند زمانی تصویب شده بود که در هر علاقه که از بازار خانه بیشتر باشد شرکت برق مکلف است تا يك پایه ماشین دیژل نصب کند مگر افسوس تا حال محامتاندر مرده ها در قیر نشسته و شب را صبح میکنیم - اولاد های ما مانند مردمان وحشی منقل برقی و بخاری برقی را نمیدانند که چیست - رادیو که زاده برق است درین جا وجود ندارد دیگر وسایل تفریح مانجه های اطفال که هنوز موجود نشده است چند روز قبل در بازار مندوی شهر غزنی ارد به نرخ فیسیر ۱۷ و ۱۸ افغانی بدست آمد مگر دقتاً چندین خرور ارد تلخ شاید از تارت جناب ششدرك در بازار مندوی داخل و این ارد تلخ - که نه حسب دلخواه شان فروش شده و باز مندوی نرخ به حال سابق عود نمود (ششدرك : شانزده درك بیادر ... از گله گذاری شما خود فراموش کردیم چه میشه تا تکلیف تو منظور یك نمایند - دوستان ما با ما همکاری و ایمن درك ها ؟؟؟ را بما نشان دهند با احترام)

درد و نبرد

فریاد من از دست عدو از سر درد است

اندیشه هراتکس کند از مرگ - نه سر درد است

جان بازی عشاق نه چون بازی نرد است

مردی اگر هست اکنون وقت نرد است

(عارف)

قیمت این شماره يك افغانی است

مطبعه - گسترندای خلق - کابل